

عامل‌های موثر بر کاهش علاقه جوانان روستایی بخش بهاران شهرستان گرگان به حرفه کشاورزی

محمد رضا محبوبی^۱، محبوبه رضایی^۲

۱- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده مدیریت کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
۲- دانش آموخته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مدیریت کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

چکیده

پسران و نقش آنان در آینده کشاورزی موضوع بسیاری از بحث‌های کشاورزی در جهان است. با این حال، آمارهای موجود نشان می‌دهند که پسران و به ویژه پسران روستایی در حال دور شدن از حرفه‌ی کشاورزی می‌باشند. در این راستا، این پژوهش با هدف شناسایی عامل‌های موثر بر کاهش گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی در سال ۱۴۰۱ انجام شد. دیدمان تحقیق از نظر ماهیت موضوع، کمی، نوع تحقیق علی-ارتباطی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، میدانی بود. جامعه آماری شامل همه‌ی پسران روستایی ۱۵ تا ۲۴ ساله ساکن در روستاهای بخش بهاران شهرستان گرگان به شمار ۱۵۸۸ تن بودند. با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و استفاده از جدول مورگان، ۳۰۹ تن از آنان به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه با پرسش‌هایی در مقیاس اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و نسبی بود که روایی شکلی آن با نظرخواهی از اعضای هیئت علمی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و کارشناسان ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان و پایایی آن با محاسبه‌ی ضریب تنای ترتیبی سنجیده شد ($\theta = 0/83$). گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی به ترتیب اهمیت در شش عامل: شغلی، طبیعی-پشتیبانی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و فنی-اجتماعی قرار می‌گیرند و ۵۲/۴۶ درصد از واریانس کل متغیرهای تأثیرگذار بر گرایش نداشتن پسران روستایی به حرفه‌ی کشاورزی را تبیین می‌کنند. آزمون‌های من‌ویتنی و کروسکال‌والیس نشان دادند که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه پسران روستایی از نظر متغیرهای کاهش دهنده گرایش آنان نسبت به حرفه کشاورزی بر حسب متغیرهای وضعیت تاهل، سن، شمار مراجعه به شهر در طول هفته و مساحت زمین تحت مالکیت خانواده وجود دارد. نتیجه تحلیل رگرسیون ترتیبی نشان داد متغیرهای تحصیلات پسران و تحصیلات پدر، نقش منفی و متغیرهای سن و شمار روزهای اشتغال به کار کشاورزی در طول سال، نقش مثبت در کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی به شغل کشاورزی داشته‌اند. توسعه ماشینی کردن فعالیت‌های پرزحمت کشاورزی و کاهش هزینه‌های تولید و حمایت بیشتر دولت از بخش کشاورزی با اتخاذ سیاست‌های دربردارنده برنامه‌های بهبود محیط کسب و کار کشاورزی با هدف نگهداشت پسران در روستا و اشتغال آنان در حرفه کشاورزی از پیشنهاد‌های این بررسی و ارزیابی بوده است.

نمایه واژگان: پسران روستایی، حرفه کشاورزی، آموزش کشاورزی، توسعه کشاورزی

نویسنده مسئول: محمد رضا محبوبی

رایانامه: mahboobi47@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

مقدمه

رشد و توسعه هر کشور در گرو رشد و توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی آن بوده و مهم‌ترین عامل مؤثر در توسعه پایدار، منبع‌های انسانی شایسته و کارآمد آن کشور است. از این رو، در روند توسعه، باید در کنار دیگر منبع‌ها و سرمایه‌های مادی، نقش اصلی را به سرمایه انسانی داد. در این میان، پسران به مثابه بخشی مهم از جمعیت هر کشور، سزاوار بهره‌مندی از امکانات رشد و تعالی و شایسته توجه بیشتری می‌باشند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳). برخی از پسران، گروه بسیار مهمی در جامعه کشاورزی هستند که در آینده به کشاورزی در روستاها ادامه خواهند داد چرا که دهقانان سنتی، سالخورده با مهارت‌های کم، منبع‌های انسانی مطلوبی برای توسعه روستایی نیستند؛ اما پسران سرمایه‌هایی بالقوه در راستای دگرگونی روستاها از وضعیت نامطلوب موجود به وضعیت مطلوب تلقی می‌شوند. کلید جذب این پسران به جامعه روستایی و حرفه کشاورزی، شناسایی و مدنظر قرار دادن گرایش‌ها و آرزوهای آنان چون حرفه، درآمد، منزلت، موقعیت اجتماعی و تلاش در راستای فراهم کردن امکان دستیابی آنان به هدف‌هایشان است و توسعه اجتماعی کشور نیز در گرو جذب و حفظ پسران روستایی در روستا و اشتغال به کشاورزی است؛ اما افزایش جمعیت و محدودیت‌های استخدام موجود در بخش غیر کشاورزی باعث شده که شماری از پسران روستایی با چالش اشتغال روبه رو شوند. از سوی دیگر استخدام در بخش کشاورزی برای پسران روستایی امنیت حرفه‌ای به همراه ندارد (حافظی و میخک، ۱۳۹۸).

نظام آموزش کشاورزی باید همگام با رشد جمعیت جهان، تغییر اقلیم و همچنین پیشرفت روزافزون دانش و فناوری در علوم کشاورزی، نسل کنونی و آینده کشاورزان را برای حل مسئله و چالش‌های احتمالی سده کنونی، رقابت در عرصه داخلی و جهانی، رویارویی با نوسان‌ها

و به‌کارگیری بهینه از فناوری‌های نوین آماده سازد. دستیابی به این هدف‌ها نیازمند بازبینی و به‌روزرسانی پیوسته نظام آموزش کشاورزی و پیش‌بینی و تدوین رهیافت پسندیده‌ی آموزش کشاورزان آینده است. با وجود رسالت عظیمی که نظام آموزش کشاورزی در آماده سازی پسران و توانمندسازی بهره‌برداران حال و آینده کشور دارد، این نظام با آسیب‌ها و چالش‌های بسیاری از جمله؛ ضعف در عامل‌های انگیزشی برای جذب پسران در رشته‌های کشاورزی، پایین بودن سهم بخش کشاورزی از پذیرش دانش‌آموز در آموزش متوسطه کشور، ضعف بنیه علمی و عملی دانشجویان بخش کشاورزی و نبود امکان لازم در بخش‌های تولیدی و تجاری کشاورزی در جذب آنان رو به رو است (مقدس فریمانی و محمودی، ۱۴۰۱)، در نتیجه، گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی کاهش یافته و آنان در حال دور شدن از کار کشاورزی و منطقه‌های روستایی می‌باشند (سواری ممینی و همکاران، ۱۳۹۸)

جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد تن خواهد رسید که ۱۴ درصد آن را پسران تشکیل می‌دهند (سازمان خواربار و کشاورزی جهانی، ۲۰۱۴)، با این حال، در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، فرصت‌های اشتغال و کارآفرینی برای پسران محدود بوده (سازمان خواربار و کشاورزی جهانی، ۲۰۱۴) و این امر احتمال مهاجرت این گروه از منطقه‌های روستایی را افزایش داده است (دئوتی و استراچ، ۲۰۱۶). بررسی‌های اخیر در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهند عامل‌های بسیاری بر ایجاد انگیزه برای اشتغال پسران روستایی در فعالیت‌های کشاورزی تأثیرگذارند. بنابر نتایج این بررسی‌ها، افزایش انگیزه پسران روستایی بستگی به سطح تجربه آنان در زمینه کشاورزی، میزان تحصیلات، نگرش به آینده حرفه‌ای، درآمد کافی، وجود امکانات لازم در روستا، توجه سیاست‌گذاران و دولت‌مردان به کشاورزی

زیر ۴۰ سال سن دارند و سن نیروی کار فعال در بخش کشاورزی ایران با احتساب عشایر کشور بسیار بالاست و حدود ۷۷ درصد جمعیت شاغل در این حوزه بین ۴۰ تا ۸۰ سال سن دارند. در عین حال، حدود ۵۵ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی در سن بازنشستگی (یعنی بالای ۵۰ سال) قرار دارند که این خود باعث کاهش بهره‌وری در این حوزه شده است. بنا بر گزارش مرکز آمار، شاخص توسعه انسانی در بحث سواد نیروی کار فعال کشاورزی نیز وضعیت مساعدی ندارد. ۳۴ درصد از جمعیت روستایی و عشایر کشور تا سال ۱۳۹۸، بی‌سواد، ۳۵ درصد دارای سواد دبستانی و ۲۵ درصد راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی هستند. بنا بر این آمار، تنها شش درصد از جمعیت شاغل کشاورزی کشور تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). بر مبنای برخی بررسی‌های دیگر، در مجموع، جمعیت کشور دست کم تا سال ۱۳۷۵ ساختاری جوان، اما رو به میانسالی داشته که در سال ۱۳۸۵ وارد دوره میانسالی شده است و در سال ۱۴۱۵ از آن خارج می‌شود و در سال ۱۴۲۰ به دوره کهن سالی خود وارد خواهد شد؛ این دگرگونی‌ها و پویایی‌ها در ساختار سنی جمعیت در صورت نبود برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند به آسیبی برای چرخه زندگی اقتصادی و جریان‌های ثروت میان‌نسلی و در نهایت نبود زمینه‌های توسعه اقتصادی و رفاهی کشور تبدیل شود (ودادهیر و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین در سطح کشور نرخ اشتغال در بخش کشاورزی به هیچ وجه همپای رشد کلی اشتغال پیش نرفته است که به ظاهر، نوع نگرش روستاییان و به ویژه پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی از مهم‌ترین علت‌های آن بوده و به نبود انگیزه‌ی آنان برای انتخاب کشاورزی به عنوان پیشه اصلی منجر شده است (علی بیگی، ۱۳۸۷).

استان گلستان با شمار جمعیت حدود یک میلیون و شش صد هزار تن، شامل ۵۸/۷ درصد روستایی و ۴۱/۳ درصد شهری است. از نظر اقتصادی، کشاورزی محور اصلی فعالیت‌های اقتصادی مردم است و در کنار

و مواردی از این دست دارد. در صورت فراهم بودن عامل‌های یاد شده در روستاها، انگیزه پسران روستایی برای ورود به حرفه کشاورزی به شدت افزایش می‌یابد (مخت و همکاران، ۱۳۹۴).

آمار موجود در ایران از رشد منفی جمعیت در منطقه‌های روستایی، بالا رفتن سن کشاورزان و کاهش نرخ رشد جمعیت روستا نسبت به شهرها حکایت دارد. همچنین با کاهش آرام سرمایه‌گذاری کشور در بخش کشاورزی در سال‌های گذشته، شاهد کاهش جمعیت شاغل کشور در بخش کشاورزی هستیم به طوری که ایران از کشوری با محوریت جمعیت روستایی در سال ۱۳۵۰ که بیش از ۶۰ درصد آن را روستاییان تشکیل می‌داد، در سال ۱۴۰۰ و پس از گذشت حدود نیم سده، به کشوری با جمعیت غالب شهرنشین تبدیل شده است. یکی از چالش‌های بازار کار و اشتغال در سطح روستایی این است که جمعیت جوان روستایی به دلیل افت سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف کشاورزی و صنایع دستی، به سمت شهرها کشانده شده و بخش قابل توجهی از جمعیت جوان این منطقه به صورت موقت یا دائم ساکن شهرها شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). در این بین، مهاجرت پسران روستایی تحصیل کرده به شهر نیز افزون بر افزایش میانگین سنی نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی، آینده نیروی انسانی شاغل به کشاورزی در روستاها را با چالش رو به رو می‌سازد (احمدی، ۱۴۰۱).

بنا بر برآورد مرکز آمار ایران، شاغلان ثابت بخش کشاورزی ۱۶/۳ درصد از کل شاغلان کشور را تشکیل می‌دهند که با توجه به برآورد و محاسبات سال ۱۴۰۰ این رقم شامل ۳ میلیون ۸۰۰ هزار تن از شاغلان فعال است. پیری جمعیت روستایی ثابت کشور از جمله علت‌های نسبت اندک فعالان اقتصادی و نیروی کار بخش کشاورزی به نسبت کل جمعیت است. همچنین، تنها ۲۳ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی کشور

آن دامداری، شیلات و صنایع تبدیلی کشاورزی رونق دارد. این استان جزو استان‌های حاشیه‌ای و محروم کشور می‌باشد، از این‌رو، ضروری است برای توسعه همه بخش‌ها و بهره‌برداری از بیشترین ظرفیت و توانمندی‌های موجود آن، جهت کاستن از محرومیت‌های نسبی برنامه‌ریزی شود (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۸). در استان گلستان نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر، ۳۷/۲ درصد است و این در حالی است که نرخ بیکاری جمعیت جوان استان ۱۵/۸ درصد است. همچنین سهم اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی استان گلستان شامل بخش خدمات ۴۸/۴ درصد، بخش صنعت ۲۷/۷ درصد و بخش کشاورزی ۲۳/۹ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱).

بررسی‌های پیشین نشان می‌دهند که عامل‌های مختلفی بر کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی موثرند از جمله اینکه پژوهش موسایی و عمانی (۱۳۸۹) نشان داد بین میزان زمین زراعی زیرکشت، مشارکت اجتماعی، درآمد کشاورزی و متغیر نگرش پسران روستایی در زمینه اشتغال در فعالیت‌های کشاورزی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و نوع نظام بهره‌برداری، آشنایی با سازمان‌های مرتبط، مشارکت اجتماعی و میزان درآمد پسران روستایی، تغییرپذیر بودن متغیر نگرش پسران روستایی در زمینه اشتغال در فعالیت‌های کشاورزی را تبیین می‌کنند. یافته‌های پژوهش ارتباعتی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد مشارکت پسران روستایی در زمینه توسعه کشاورزی در حد متوسط است و متغیرهای سن، میزان اراضی زراعی، استفاده از منبع‌های اطلاعاتی و ارتباطی و نگرش نسبت به اشتغال در فعالیت‌های کشاورزی بر مشارکت پسران روستایی در زمینه توسعه کشاورزی تأثیر بیشتری دارند. سلطانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تحلیل عامل‌های مؤثر بر گرایش پسران روستایی شهرستان

ایلام به اشتغال در بخش کشاورزی نشان دادند گرایش کلی پسران روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی در حد متوسط قرار دارد و مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر گرایش پسران روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی به ترتیب شامل میزان آگاهی آنان به زمینه‌های اشتغال در بخش کشاورزی، میزان درآمد خانواده از تولید محصول‌های کشاورزی و میزان حمایت‌های دولت از اشتغال پسران روستایی در بخش کشاورزی بودند. شمس و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند مهم‌ترین علت‌های نبود زمینه‌ی گرایش و انگیزه پسران روستایی به فعالیت کشاورزی، پرزحمت بودن حرفه کشاورزی در مقایسه با دیگر حرفه‌ها، کم درآمد بودن حرفه کشاورزی نسبت به دیگر حرفه‌ها، و عدم توجه کافی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به بخش کشاورزی و روستایی است. بررسی ملکی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد بین حرفه پدر، سطح تحصیلات، درآمد کشاورزی، پیشینه کشاورزی و میزان علاقه‌مندی پسران روستایی به اشتغال در حرفه کشاورزی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در پژوهشی بادسار و همکاران (۱۳۹۴) نتیجه گرفتند، بین متغیرهای زمینه‌ای شامل جنس، سن، پیشینه‌ی کار در روستا، درآمد خانوادگی و پیشینه سکونت در روستا با متغیر وابسته میزان گرایش به اشتغال در روستا رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یعقوبی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی عامل‌های بازدارنده گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی در روستاهای قصرشیرین دریافتند، بازدارنده‌های گرایش پسران به حرفه کشاورزی شامل جذابیت پایین کشاورزی و نبود تسهیلات کافی اشتغال، سودمندی بالاتر حرفه‌های غیرکشاورزی و سختی کار کشاورزی، نگرش منفی به روستا و امکان کسب موقعیت بالاتر در شهر، نبود بستر مناسب برای کشاورزی، کمبود امکانات رفاهی، بهداشتی و تفریحی در روستا و سوددهی بالاتر سرمایه در شهر است. همچنین سه متغیر احساس

ارزشمندی در روستا، سن و گرایش به روستانشینی نقش مثبت و سطح تحصیلات نقش منفی در احتمال گرایش پسران روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی داشتند. یافته‌های پژوهش حافظی و میخک (۱۳۹۸) نشان داد گرایش پسران متأهل نسبت به مجردان و مردان نسبت به زنان به حرفه کشاورزی به طور معنی‌داری بالاتر می‌باشد. همچنین عامل‌های بازدارنده گرایش پسران روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی به ترتیب اهمیت اقتصادی، طبیعی، اجتماعی- فرهنگی، حرفه‌ای، خدماتی و مهارتی هستند. سواری ممینی و همکاران (۱۳۹۸) در نتایج تحقیقی نشان دادند، سازه‌های نگرش، کنترل رفتاری درک شده، هنجار اخلاقی، هویت خود و هنجار توصیفی از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده و سازه‌های خودکارآمدی، نتیجه انتظارها، درک رفتار دیگران، علاقه و بازدارنده‌ها از نظریه حرفه‌ای شناخت اجتماعی، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش پسران نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی هستند.

آفونو و آکپوباسا (۲۰۱۰) در ارزیابی نگرش پسران روستایی نسبت به کشاورزی دریافتند بیشتر آنان نگرش نامساعدی نسبت به کشاورزی دارند. ایبیتویه (۲۰۱۱)، در نتایج بررسی خود نشان داد پسران روستایی دارای نگرش منفی نسبت به کشاورزی به عنوان حرفه آینده هستند. اتحادیه کشاورزی جنوب آفریقا^۲ (۲۰۱۳) در بررسی نقش پسران در کشاورزی چند کشور آفریقایی نشان داد، عامل‌های کاهش دهنده گرایش آنان به حرفه کشاورزی شامل تصور منفی در مورد حرفه کشاورزی، دسترسی اندک به زمین یا کنترل بر آن، دسترسی ضعیف به اعتبارها و فناوری‌های مناسب، درک خطرهای طبیعی یا مخاطره‌ها بر تولید کشاورزی، درک بازار مخاطره آمیز یا بی‌ثبات کشاورزی، فرصت‌های حرفه‌ای محدود بخش کشاورزی، نداشتن مهارت‌های فنی و نبود یا کمی حمایت دولت از بخش کشاورزی بوده است.

سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (۲۰۱۴) چالش‌های اصلی مشارکت پسران در کشاورزی را شامل دسترسی ناکافی به دانش، اطلاعات و آموزش، زمین، خدمات مالی، حرفه‌های سبز (به دلیل نداشتن مهارت کافی)، بازار و همچنین حضور محدود در گرایش‌های سیاسی و شکل‌دهی به سیاست‌هایی که برای آنان در نظر گرفته شده است، می‌داند. سرگو (۲۰۱۴) در نتایج پژوهشی در اتیوپی نشان داد اگر چه بیشتر پسران روستایی دختر و پسر به حرفه کشاورزی علاقه‌مندند با این حال نبود زمینه انواع خدمات و زیرساخت‌های روستایی در مقایسه با شهر، باعث می‌شود زندگی روستایی و کشاورزی برای آنان بدون جذابیت باشد. نتایج بررسی‌های بز و هلدن (۲۰۱۴) در جنوب اتیوپی نشان داد تنها ۹ درصد پسران روستایی گرایش دارند حرفه پدران خود را دنبال کنند و بیشتر آنان بدلیل نداشتن دسترسی به زمین ناچار به مهاجرت به شهر می‌شوند. نتایج پژوهش سینگ و گوپتا (۲۰۱۴) در هند نشان داد بازدارنده‌ها و مسئله‌های حرفه کشاورزی باعث می‌شود پسران روستایی سایر حرفه‌ها غیر از کشاورزی را برگزینند. بررسی سلیمان بلو و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد متغیرهای جنس و وضعیت تاهل تاثیر معنی‌داری بر نگرش پسران روستایی در زمینه ترک کار کشاورزی ندارند، ولی متغیر سطح تحصیلات به طور معنی‌داری بر نگرش آنان در این زمینه موثر است. آفانده و همکاران (۲۰۱۵) در بررسی مشارکت پسران در کشاورزی کنیا نتیجه گرفتند، پسران روستایی از مالکیت زمین محروم هستند، دسترسی کمتری به اعتبارهای مورد نیاز و خدمات ترویجی دارند و بدون عضویت در گروه کشاورزان هستند. آنان دریافتند پسران روستایی با ویژگی‌های حداقل تحصیلات متوسطه، پسر و سهم بیشتر افراد بزرگسال در تصمیم‌گیری‌های خانواده، احتمال کمتری وجود دارد که در کار کشاورزی وارد شوند. نتایج پژوهش نورانی (۲۰۱۵) نشان داد، اشتیاق و

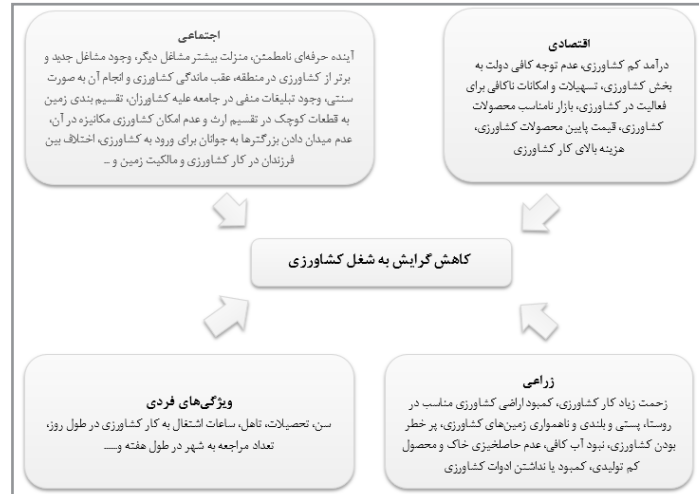
ارزشمندی در روستا، سن و گرایش به روستانشینی نقش مثبت و سطح تحصیلات نقش منفی در احتمال گرایش پسران روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی داشتند. یافته‌های پژوهش حافظی و میخک (۱۳۹۸) نشان داد گرایش پسران متأهل نسبت به مجردان و مردان نسبت به زنان به حرفه کشاورزی به طور معنی‌داری بالاتر می‌باشد. همچنین عامل‌های بازدارنده گرایش پسران روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی به ترتیب اهمیت اقتصادی، طبیعی، اجتماعی- فرهنگی، حرفه‌ای، خدماتی و مهارتی هستند. سواری ممینی و همکاران (۱۳۹۸) در نتایج تحقیقی نشان دادند، سازه‌های نگرش، کنترل رفتاری درک شده، هنجار اخلاقی، هویت خود و هنجار توصیفی از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده و سازه‌های خودکارآمدی، نتیجه انتظارها، درک رفتار دیگران، علاقه و بازدارنده‌ها از نظریه حرفه‌ای شناخت اجتماعی، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش پسران نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی هستند.

آفونو و آکپوباسا (۲۰۱۰) در ارزیابی نگرش پسران روستایی نسبت به کشاورزی دریافتند بیشتر آنان نگرش نامساعدی نسبت به کشاورزی دارند. ایبیتویه (۲۰۱۱)، در نتایج بررسی خود نشان داد پسران روستایی دارای نگرش منفی نسبت به کشاورزی به عنوان حرفه آینده هستند. اتحادیه کشاورزی جنوب آفریقا^۲ (۲۰۱۳) در بررسی نقش پسران در کشاورزی چند کشور آفریقایی نشان داد، عامل‌های کاهش دهنده گرایش آنان به حرفه کشاورزی شامل تصور منفی در مورد حرفه کشاورزی، دسترسی اندک به زمین یا کنترل بر آن، دسترسی ضعیف به اعتبارها و فناوری‌های مناسب، درک خطرهای طبیعی یا مخاطره‌ها بر تولید کشاورزی، درک بازار مخاطره آمیز یا بی‌ثبات کشاورزی، فرصت‌های حرفه‌ای محدود بخش کشاورزی، نداشتن مهارت‌های فنی و نبود یا کمی حمایت دولت از بخش کشاورزی بوده است.

علاقه پسران روستایی به حرفه های غیرکشاورزی چون مهندسی و آموزش ممکن است گرایش به خروج از مزرعه را در آنان ایجاد کند. بیشتر پسران نگرش منفی نسبت به کشاورزی داشتند و بازدارنده های ساختاری چون نداشتن دسترسی به زمین، مشارکت آنان را در کشاورزی محدود کرده است. نتایج پژوهش آکپان و همکاران (۲۰۱۵) در نیجریه نشان داد، پسر بودن، شمار سال های تحصیل رسمی، درآمد مزرعه در فصل کشاورزی گذشته، مالکیت زمین، دسترسی به اعتبارها و وضعیت تأهل تعیین کننده منفی برای مشارکت پسران در فعالیت های کشاورزی بودند. محدودیت های مشارکت در فعالیت های کشاورزی از نظر پسران عبارت بودند از سرمایه اولیه ناکافی، تسهیلات اعتباری ناکافی، امکانات ذخیره سازی ضعیف محصول، دسترسی ضعیف به تراکتور و زمین کشاورزی ناکافی. فلسیا و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی در نیجریه نتیجه گرفتند، پسران روستایی نگرش منفی نسبت به حرفه کشاورزی داشته و آن را حرفه ای ملال آور، خسته کننده، خاص افراد سالمند و بدون درآمد مناسب می دانند. برک (۲۰۱۸) در بررسی عامل های موثر بر خروج پسران از کشاورزی در ترکیه دریافت، این عامل ها شامل شمار فرزندان، وجود خانه در مرکز شهر و سطح درآمد ماهانه است. نتایج پژوهش انگاتیگوا و همکاران (۲۰۲۰) در تانزانیا نشان دادند، جنسیت و اندازه زمین تأثیر منفی و معنی داری بر مشارکت پسران در کشاورزی داشته است. تاریک ابراهیم و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی در اندونزی دریافتند بخش کشاورزی به عنوان منبع امرار معاش، برای نسل جوان، کمتر مطلوب است. عامل هایی که بر علاقه پسران روستایی به کشاورزی تأثیر می گذارد، اعتبار، امنیت آینده و مساحت زمین والدین است در حالی که عامل امتیاز، تشویق والدین، سطح تحصیلات، تناسب تحصیلی، ارزش کالا و درآمد تأثیر معناداری بر علاقه پسران روستایی به کشاورزی نداشت. گیردزیوت و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی در لیتوانی دریافتند

نبود انگیزه در پسران به کار در کشاورزی بیشتر تحت تأثیر جنسیت، منطقه سکونت و باورهای پسران است. در پژوهشی در اتیوپی (۲۰۲۲) تارکن و همکاران فصلی بودن درآمد کشاورزی، ترس از خطر کشاورزی و کمبود سرمایه اولیه را سه مانع اصلی مشارکت پسران در کار کشاورزی دانسته اند. همچنین آنان دریافتند متغیرهای سطح تحصیلات، دیوانسالاری (بوروکراسی) اعتباری، کمبود سرمایه اولیه، ترس از گروه، خطر کردن و نبود اطمینان و نداشتن محل کسب و کار، تعیین کننده های اصلی مشارکت پسران در کسب و کارهای کشاورزی هستند. هنینگ و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی در آفریقای جنوبی نتیجه گرفتند، اعطای کمک های بدون عوض که منبع درآمد آسانی است و همچنین بی سواد و ادراک راحتی کار کشاورزی بازدارنده مشارکت پسران در کشاورزی می شود.

با نگاهی به پژوهش های انجام شده می توان دریافت آینده ی توسعه کشاورزی وابسته به حضور پسران روستایی در بخش کشاورزی است با این حال، عامل های فردی، اقتصادی، اجتماعی و زراعی بر کاهش گرایش آنان به حرفه کشاورزی تأثیر گذارند (نگاره ۱). از آنجا که موضوع کاهش گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی در روستاهای بخش بهاران شهرستان گرگان که در سال های اخیر بخش زیادی از جمعیت جوان خود را به علت مهاجرت از دست داده است دارای اهمیت زیادی است، بنابراین شناسایی متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران نسبت به حرفه کشاورزی می تواند در پیش بینی نوع رفتار این گروه در گزینش یا عدم گزینش حرفه کشاورزی به عنوان حرفه اصلی موثر واقع شود. با توجه به آنچه گفته شد، هدف اصلی این تحقیق شناسایی عامل های موثر بر کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی در بخش بهاران شهرستان گرگان بود.



نگاره ۱ - مدل نظری تحقیق

روش‌شناسی

این تحقیق با هدف شناسایی عامل‌های موثر بر کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی و در سال ۱۴۰۱ و در بخش بهاران شهرستان گرگان انجام شد. شهرستان گرگان دارای دو بخش مرکزی و بهاران است. انتخاب بخش بهاران به عنوان محدوده‌ی جغرافیایی تحقیق به این علت بوده است که روستاهای این بخش در سال‌های اخیر بخش زیادی از جمعیت جوان خود را به علت مهاجرت از دست داده است. دیدمان تحقیق از نظر ماهیت موضوع، کمی بوده، نوع تحقیق علی-ارتباطی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، میدانی بود. جامعه آماری شامل همه‌ی پسران روستایی پسر ۱۵ تا ۲۴ ساله ساکن در روستاهای بخش بهاران شهرستان گرگان به شمار ۱۵۸۸ تن بودند. با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و استفاده از جدول مورگان، ۳۰۹ نفر از آنان به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. به این ترتیب که در بخش بهاران شامل دو دهستان استرآباد شمالی و قرق، از دهستان استرآباد شمالی ۴ روستا و از دهستان قرق ۷ روستا به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس بر مبنای شیوه نمونه‌گیری تصادفی با انتساب متناسب، نمونه‌ها انتخاب شدند (جدول ۱). ابزار پژوهش

پرسشنامه با پرسش‌هایی در مقیاس اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و نسبی بود که روایی شکلی با نظرخواهی از اعضای هیئت علمی ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و کارشناسان ترویج سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان و پایایی آن با انجام یک طرح بررسی راهنما بر روی ۳۰ نمونه در یک جامعه همانند با جامعه مورد بررسی و خارج از نمونه آماری با استفاده از ضریب تتای ترتیبی سنجیده شد ($\theta = 0/83$). پرسش‌های پرسشنامه بر مبنای پرسش‌ها و هدف‌های تحقیق تنظیم شد و در بردارنده پرسش‌هایی در زمینه ویژگی‌های فردی و اقتصادی پاسخگویان و دیدگاه آنان در مورد متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی بود که در قالب ۲۲ گویه از طریق طیف لیکرت پنج گزین‌های (خیلی زیاد= ۵، زیاد= ۴، تا حدی= ۳، کم= ۲ و خیلی کم= ۱) مورد پرسش قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به پرسش‌ها و هدف‌های تحقیق و سطح سنجش متغیرها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، واریانس، انحراف معیار، فراوانی و درصد) و مقایسه میانگین من‌ویتنی، کروسکال والیس، تحلیل عاملی و رگرسیون ترتیبی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS¹⁹ انجام شد. آزمون من‌ویتنی برای

مقایسه میانگین‌های دو جامعه مستقل زمانی که داده‌ها به صورت ترتیبی باشند و آزمون کروسکال‌والیس برای مقایسه میانگین‌ها زمانی که داده‌ها به صورت ترتیبی و تعداد نمونه‌ها بیش از دو گروه باشد استفاده می‌شود. تحلیل عاملی نیز با هدف ساده‌سازی منظم تعداد زیادی متغیر همبسته به شمار کمی سازه یا عامل نمایا، انجام می‌شود (کلانتری، ۱۳۹۴). در برخی از پژوهش‌ها ممکن است متغیر وابسته در سطح سنجش ترتیبی باشد یعنی شرط اول اجرای رگرسیون‌های چندگانه (کمی یا فاصله‌ای یا نسبی بودن) را نداشته باشد، در این صورت از رگرسیون ترتیبی استفاده می‌شود (صفری شالی و حبیب‌پورگتابی، ۱۳۹۴).

جدول ۱- روستاها و شمار نمونه منتخب

بخش	دهستان	نام روستا	جمعیت	نمونه منتخب
بهاران	استرآباد شمالی	اتراچال	۱۷۰	۳۳
		آلوکلانته	۲۴۰	۵۱
		شمس آباد	۴۰	۹
		کماسی	۲۳۰	۴۵
	قرق	تقرتپه	۱۱۰	۱۸
		تقی آباد	۱۶۰	۳۰
		حسین آباد	۱۱۸	۲۴
		قلی آباد	۱۸۰	۳۶
		گوزن فارس	۱۲۰	۲۵
		نوده ملک	۱۰۵	۱۷
		والش آباد	۱۱۵	۲۱
	جمع	-	۱۵۸۸	۳۰۹

یافته‌ها

مجرد (۷۰/۹ درصد)، سطح تحصیلات ۳۷/۲ درصد آنان (۱۱۵ تن)، دیپلم، ۳۵ درصد (۱۰۸ تن) آنان شاغل، حرفه پدر بیش از نیمی از آنان (۱۶۰ تن معادل ۵۱/۸ درصد)، کشاورزی و سطح تحصیلات پدر ۴۳/۷ درصد آنان (۱۳۵ تن)، ابتدایی بود.

بنابر یافته‌های تحقیق، ۴۲/۷ درصد پاسخگویان در دامنه سنی ۱۹-۲۲ سال قرار داشته و میانگین سن آنان حدود ۲۱ سال است. ۳۱/۴ درصد پاسخگویان (۹۷ تن) در خانواده خود دارای ۴ تن و به طور میانگین ۲/۲ تن فرد شاغل در کار کشاورزی هستند. زمین کشاورزی خانوادگی ۳۱/۷ درصد پاسخگویان (۹۸ تن)، بیش از ۲/۶ هکتار است. ۴۷/۹ درصد (۱۴۸ تن)، بین ۴ تا ۶ بار در طول هفته به شهر مراجعه می‌کنند و میانگین مراجعه آنان حدود ۵ بار در هفته است (جدول ۲). بیشتر پاسخگویان

جدول ۲- پراکنش پسران روستایی بخش بهاران بر پایه شناسه‌های فردی و اقتصادی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	میانگین	انحراف معیار
سن (سال)	۶۸	۲۲		
	۱۵-۱۸	۱۳۲	۲۰/۷۵	۲/۷۳
	۱۹-۲۲	۱۰۹		
	۲۳-۲۵			
میزان مراجعه به شهر (در هفته)	۸۹	۲۸/۸		
	۱-۳	۱۴۸	حدود ۵	۲/۶۲
	۴-۶	۷۲		
	بیشتر از ۶			
شمار افراد خانواده پدری شاغل در کار کشاورزی (تن)	۵۷	۱۸/۴		
	هیچ	۲۹/۱	حدود ۲	۲/۱۵
	۱	۶۴		
	۲	۹۸		
	۳ و بیشتر			
مساحت اراضی کشاورزی خانواده پدری (هکتار)	۵۷	۱۸/۴		
	فاقد زمین	۲۹/۱	۲/۱۹	۲/۲۳
	۰/۵-۱/۵	۶۴		
	۱/۶-۲/۶	۹۸		
	بیشتر از ۲/۶			
وضعیت تاهل پاسخگویان	۲۱۹	۷۰/۸		
	مجرد	۹۰		
	متاهل			

دادن بزرگترها به پسران برای ورود به حرفه کشاورزی"، "وجود تبلیغات منفی در جامعه علیه کشاورزان" و "پرخطر بودن کشاورزی به عنوان یک حرفه"، در این زمینه دارای اهمیت کمتری بوده است.

با توجه به یافته‌های جدول ۳، مهم‌ترین متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران نسبت به حرفه کشاورزی، به ترتیب، "زحمت زیاد حرفه کشاورزی نسبت به دیگر حرفه‌ها"، "درآمد کم حرفه کشاورزی نسبت به دیگر حرفه‌ها" و "هزینه بالای کار کشاورزی"، "آینده حرفه‌ای نامطمئن در حرفه کشاورزی" و "وجود حرفه‌های جدید و برتر از کشاورزی در منطقه و گرایش پسران به آن‌ها" بوده است. عامل‌هایی چون "نبود زمینه میدان

جدول ۳- اولویت‌بندی متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران نسبت به حرفه کشاورزی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای*	عامل
۱	۰/۲۳۶	۰/۹۷	۴/۱۱	زحمت زیاد حرفه کشاورزی نسبت به سایر حرفه‌ها
۲	۰/۲۸۱	۱/۱۳	۴/۰۱	درآمد کم حرفه کشاورزی نسبت به سایر حرفه‌ها
۳	۰/۲۸۳	۱/۱۳	۳/۹۸	هزینه بالای کار کشاورزی
۴	۰/۲۹۳	۱/۱۴	۳/۸۹	آینده حرفه‌ای نامطمئن در حرفه کشاورزی
۵	۰/۳۰۵	۱/۱۴	۳/۷۳	وجود حرفه‌های جدید و برتر از کشاورزی در منطقه و تمایل پسران به آن‌ها
۶	۰/۳۱۰	۱/۱۶	۳/۷۴	کمبود اراضی کشاورزی مناسب در روستا
۷	۰/۳۱۶	۱/۲۲	۳/۸۵	قیمت پایین محصول‌های کشاورزی
۸	۰/۳۱۷	۱/۲۲	۳/۸۴	نبود آب کافی
۹	۰/۳۲۳	۱/۲۳	۳/۸	بازار نامناسب محصول‌های کشاورزی
۱۰	۰/۳۲۶	۱/۱۸	۳/۶۱	عقب ماندگی کشاورزی و انجام آن به صورت سنتی
۱۱	۰/۳۳۱	۱/۲۳	۳/۷۱	تسهیلات و امکانات ناکافی برای فعالیت در کشاورزی
۱۲	۰/۳۳۱	۱/۲	۳/۶۲	منزلت بیشتر حرفه‌های دیگر نسبت به حرفه کشاورزی
۱۳	۰/۳۳۱	۱/۲۱	۳/۶۵	کمبود یا نداشتن ادوات کشاورزی
۱۴	۰/۳۳۲	۱/۲۱	۳/۶۳	نبود گرایش پسران به سکونت در روستا
۱۵	۰/۳۳۸	۱/۲	۳/۵۵	تقسیم‌بندی زمین به قطعه‌های کوچک در تقسیم ارث و نبود زمینه‌های امکان کشاورزی مکانیزه در آن
۱۶	۰/۳۳۹	۱/۲	۳/۵۴	حاصلخیزی کم خاک و محصول کم تولیدی
۱۷	۰/۳۴۱	۱/۲۶	۳/۶۹	نبود توجه کافی دولت به کار کشاورزی
۱۸	۰/۳۵۴	۱/۲۱	۳/۴۱	پستی و بلندی‌ها و ناهمواری‌های زمین‌های کشاورزی روستا
۱۹	۰/۳۵۵	۱/۲۳	۳/۴۶	اختلاف بین فرزندان در کار کشاورزی و مالکیت زمین ..
۲۰	۰/۳۶۰	۱/۲۶	۳/۵	پرخطر بودن کشاورزی به عنوان یک حرفه
۲۱	۰/۳۸۰	۱/۳	۳/۴۲	وجود تبلیغات منفی در جامعه علیه کشاورزان
۲۲	۰/۳۸۷	۱/۲۷	۳/۲۸	نبود زمینه میدان دادن بزرگترها به پسران برای ورود به کشاورزی

*دامنه میانگین از ۱ تا ۵ می‌باشد.

به منظور پالایش متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی به عامل‌ها و تعیین سهم هر یک از متغیرها در ساخت عامل‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. به منظور تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از ضریب KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان دهنده همبستگی و مناسب بودن متغیرهای موردنظر برای انجام تحلیل عاملی بود (جدول ۴).

جدول ۴- مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معنی‌داری

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی‌داری
عامل‌های کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی	۰/۸۳۳	۱۴۵۸	۰/۰۰۰

برای تعیین شمار عامل‌ها، بر مبنای ملاک کیسر عمل شد. بر این مبنای عامل‌هایی مورد پذیرش قرار می‌گیرند که مقدار ویژه آن‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای از یک بزرگ‌تر باشد. همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود شمار ۶ عامل که مقدار ویژه آن‌ها از یک بزرگ‌تر بود، استخراج شد. لازم به یادآوری است مقدار ویژه بیانگر سهم هر عامل از کل واریانس متغیرها می‌باشد و هر چه مقدار آن بزرگ‌تر باشد، نشان دهنده این است که اهمیت و تاثیر آن عامل بیشتر است.

عامل اول بیشترین سهم (۲۱/۱۶۷ درصد) و عامل ششم کمترین سهم (۴/۵۶۵ درصد) را در تبیین واریانس کل متغیرها دارند. در مجموع ۱۷ متغیر معنی‌دار شدند و ۶ متغیر نیز در هیچ کدام از عامل‌ها معنی‌دار نشد. تمامی عامل‌های نامبرده در مجموع ۵۲/۴۶۴ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین کردند و به خود اختصاص دادند و ۴۷/۵۳۶ درصد از واریانس باقی‌مانده به عامل‌هایی مربوط بود که پیش‌بینی آن‌ها فراهم نشد.

جدول ۵- شمار عامل‌های استخراج شده و سهم هر یک از آن‌ها

شماره عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس مقدار ویژه
۱	۴/۸۶۸	۲۱/۱۶۷	۲۱/۱۶۷
۲	۱/۹۳۲	۸/۴۰۲	۲۹/۵۶۸
۳	۱/۸۶۶	۸/۱۱۲	۳۷/۶۸۱
۴	۱/۲۱	۵/۲۶۱	۴۲/۹۴۲
۵	۱/۱۴	۴/۹۵۷	۴۷/۸۹۸
۶	۱/۰۵	۴/۵۶۵	۵۲/۴۶۴

در نتیجه چرخش عاملی به روش واریماکس، متغیرهای مربوط به هر عامل به همراه بار عاملی آن مشخص می‌شود (جدول ۶). در نتیجه با توجه به ماهیت متغیرها، متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی، متغیرهایی که در عامل نخست قرار گرفتند شامل درآمد کم حرفه کشاورزی نسبت به دیگر حرفه‌ها، آینده حرفه‌ای نامطمئن در حرفه کشاورزی، وجود حرفه‌های جدید و برتر از کشاورزی در منطقه و گرایش پسران به آن‌ها و عدم توجه کافی دولت به کار کشاورزی، بودند، به طوری که در جدول ۵ دیده می‌شود مقدار ویژه عامل اول (۴/۸۶۸) از همه‌ی عامل‌های دیگر بیشتر بود و در مجموع ۲۱/۱۶۷ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داد، و لذا، بیشترین سهم را در تبیین متغیرها داشته است. طبیعت متغیرهای مربوط به این عامل به گونه‌ای بود که تحت عنوان "شغلی" نامگذاری شد. متغیرهایی که در عامل دوم قرار گرفتند شامل کمبود اراضی کشاورزی مناسب در روستا، پستی و بلندی‌ها و ناهمواری‌های زمین‌های کشاورزی روستا و تسهیلات و امکانات ناکافی برای فعالیت در کشاورزی بودند. مقدار ویژه عامل دوم برابر ۱/۹۳۲ بود و در مجموع ۸/۴۰۲ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داد. این عامل با توجه به متغیرهای آن تحت عنوان "طبیعی-پشتیبانی" نامگذاری شد. متغیرهایی که در عامل سوم قرار گرفتند شامل بازار نامناسب محصول‌های کشاورزی، نبود آب کافی و قیمت پایین محصول‌های کشاورزی بودند. مقدار ویژه عامل سوم برابر با ۱/۸۶۶ بودند و در مجموع ۸/۱۱۲ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص دادند که با توجه به طبیعت متغیرهای تشکیل‌دهنده آن، می‌توان آن را تحت عنوان "اقتصادی" نامگذاری کرد.

در عامل چهارم، مقدار ویژه برابر با ۱/۲۱ و در مجموع ۵/۲۶۱ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داد. عقب ماندگی کشاورزی و انجام آن به صورت سنتی، پر خطر بودن کشاورزی به عنوان یک حرفه و وجود تبلیغات منفی در جامعه علیه کشاورزان متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل بودند، لذا تحت عنوان "فرهنگی" نامگذاری شد. متغیرهایی که در عامل پنجم قرار گرفتند شامل تقسیم‌بندی زمین به قطعه‌های کوچک در تقسیم ارث و نبود امکان کشاورزی مکانیزه در آن و اختلاف بین فرزندان در کار کشاورزی و مالکیت زمین و.. بودند. مقدار ویژه عامل یاد شده برابر ۱/۱۴ بود و در مجموع ۴/۹۵۷ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داد. با توجه به طبیعت متغیرهای تشکیل‌دهنده آن، می‌توان آن را تحت عنوان "حقوقی" نامگذاری کرد. در عامل ششم، متغیرهای کمبود یا نداشتن ادوات کشاورزی و نبود زمینه میدان دادن بزرگترها به پسران برای ورود به کشاورزی دارای بار عاملی بسیار معنی‌دار و قابل قبول بود. مقدار ویژه عامل یاد شده برابر با ۱/۰۵ بود و در مجموع ۴/۵۶۵ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داد لذا می‌توان آن را تحت عنوان "فنی-اجتماعی" نام نهاد.

جدول ۶- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل‌های و میزان ضریب‌های به دست آمده از ماتریس دوران یافته

نام عامل	متغیر	بار عاملی
شغلی	درآمد کم حرفه کشاورزی نسبت به دیگر حرفه‌ها	۰/۷۱۸
	آینده حرفه‌ای نامطمئن در حرفه کشاورزی	۰/۷۷۲
	وجود حرفه‌های جدید و برتر از کشاورزی در منطقه و گرایش پسران به آن‌ها	۰/۵۳۲
	عدم توجه کافی دولت به کار کشاورزی	۰/۶۵۲
طبیعی - پشتیبانی	کمبود اراضی کشاورزی مناسب در روستا	۰/۷۳۴
	پستی و بلندی‌ها و ناهمواری‌های زمین‌های کشاورزی روستا	۰/۶۸۱
	تسهیلات و امکانات ناکافی برای فعالیت در کشاورزی	۰/۵۷۶
	بازار نامناسب محصول‌های کشاورزی	۰/۶۸۷
اقتصادی	نبود آب کافی	۰/۶۹۸
	قیمت پایین محصول‌های کشاورزی	۰/۵۴۳
	عقب ماندگی کشاورزی و انجام آن به صورت سنتی	۰/۶۰۲
فرهنگی	پر خطر بودن کشاورزی به عنوان یک حرفه	۰/۶۰۴
	وجود تبلیغات منفی در جامعه علیه کشاورزان	۰/۷۵۱
حقوقی	تقسیم‌بندی زمین به قطعه‌های کوچک در تقسیم ارث و نبود امکان کشاورزی مکانیزه در آن	۰/۶۹۳
	اختلاف بین فرزندان در کار کشاورزی و مالکیت زمین و..	۰/۷۰۱
فنی - اجتماعی	کمبود یا نداشتن ادوات کشاورزی	۰/۵۱۴
	نبود زمینه میدان دادن بزرگترها به پسران برای ورود به کشاورزی	۰/۷۸۱

با توجه به نرمال نبودن پراکنش داده‌ها، به‌منظور مقایسه دیدگاه پسران روستایی در زمینه متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش آنان نسبت به حرفه کشاورزی با توجه به ویژگی‌های فردی و اقتصادی از آزمون من‌ویتنی و کروسکال‌والیس استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد تفاوت معنی‌داری بین نبود انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی در بین پسران روستایی بر حسب متغیرهای وضعیت تاهل، سن، شمار مراجعه به شهر در طول هفته و مساحت زمین تحت مالکیت خانواده وجود دارد (جدول ۷).

جدول ۷- تاثیر متغیرهای تحقیق بر کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی

متغیر گروه‌بندی	سطح متغیر	شمار	میانگین رتبه‌ها	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
وضعیت تاهل	متاهل	۹۰	۱۷۱/۶۱	۸۳۶۰	۰/۰۳۶
	مجرد	۲۱۹	۱۴۸/۱۷		
وضعیت اشتغال	بیکار	۹۶	۷۵/۳۶	۲۵۷۸/۵	۰/۲۰۸
	شاغل	۶۱	۸۴/۷۳		
سن	۱۵-۱۸	۶۸	۱۲۵/۰۴	۱۰/۲۲۱	۰/۰۰۶
	۱۹-۲۲	۱۳۲	۱۶۰/۰۹		
	بیشتر از ۲۲	۱۰۹	۱۶۷/۵۲		

ادامه جدول ۷- تاثیر متغیرهای تحقیق بر کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی

متغیر گروه‌بندی	سطح متغیر	شمار	میانگین رتبه‌ها	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
تحصیلات	ابتدایی، راهنمایی و متوسطه	۱۱۳	۱۵۲/۴۱	۲/۹۴۶	۰/۲۲۹
	دیپلم	۱۱۵	۱۴۷/۵۴		
	کاردانی، کارشناسی و بالاتر	۸۱	۱۶۹/۲۰		
شمار مراجعه به شهر در طول هفته	۱-۳	۸۹	۱۵۲/۶۸	۷/۹۲۴	۰/۰۱۹
	۴-۶	۱۴۸	۱۴۴/۱۸		
	بیشتر از ۶	۷۲	۱۸۰/۱۱		
حرفه پدر	کشاورزی	۱۶۰	۱۴۸/۰۱	۲/۴۸۳	۰/۲۸۹
	خدماتی	۹۸	۱۵۸/۹۵		
	دولتی	۵۱	۱۶۹/۳۲		
مساحت زمین تحت مالکیت خانواده	فاقد زمین	۵۷	۱۵۰/۷۵	۸/۳۷۲	۰/۰۳۹
	۱-۱/۹	۹۰	۱۷۷/۵۱		
	۲-۲/۹	۶۴	۱۴۱/۸۰		
	بیشتر از ۲/۹	۹۸	۱۴۵/۴۲		

برای برآورد و پیش‌بینی مهم‌ترین عامل‌های موثر بر کاهش انگیزه و گرایش جوانان روستایی به حرفه کشاورزی، از روش رگرسیون ترتیبی استفاده شد. نخستین خروجی تحلیلی نشان دهنده نتایج آزمون نسبت احتمال مدل را نشان می‌دهد. این آزمون در واقع آزمون نسبت احتمال مدل نهایی به مدل صفر می‌باشد (جدول ۸). با توجه

جدول ۸- خلاصه نتایج اطلاعات نسبت احتمال مدل

مدل	تفاضل بین نسبت درست نمایی	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
مدل صفر	۳۲۴۱/۴۶۱			
مدل نهایی	۲۹۸۶/۹۷۴	۲۵۴/۴۸۷	۱۲۲	۰/۰۰۰

جدول ۹، نتایج آزمون نکوئی برازش را نشان می‌دهد که نتیجه دو آماره کای اسکوئر پیرسون و کای اسکوئر انحراف است. آماره‌های آزمون نکوئی برازش نشان دهنده همسازي داده‌های مشاهده شده با مدل برازش شده می‌باشد. با توجه

به این که در جدول سطح معنی‌داری آماره انحراف، بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا، می‌توان گفت که مدل رگرسیونی مدل مناسبی است، به طوری که میزان‌های متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تناسب خوبی با هم دارند.

جدول ۹- خلاصه نتایج اطلاعات نکوئی برازش مدل

آماره	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
پیرسون	۱۱۷۷۰۰	۶۵۱۷۴	۰/۰۰۰
انحراف	۲۹۸۶/۹۷۴	۶۵۱۷۴	۱/۰۰۰

برای محاسبه دقیق میزان ضریب تعیین از آماره‌های ضریب تعیین سه‌گانه کاکس و نل، نیجل کرک و مک فادن استفاده می‌شود که به نوعی تقریب‌های ضریب تعیین در رگرسیون خطی به شمار می‌آیند. میزان آماره‌های کاکس و نل و نیجل کرک بیانگر این است که چهار متغیر مستقل در مجموع می‌توانند حدود ۸ تا ۱/۵۶ درصد از واریانس کاهش انگیزه و گرایش جوانان روستایی به حرفه کشاورزی را تبیین کنند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- میزان‌های آماره‌های ضریب تعیین پژوهش

آماره	میزان
کاکس و نل	۰/۵۶۱
نیجل کرک	۰/۵۶۱
مک فادن	۰/۰۷۹

برای تعیین سهم هر یک از عوامل‌های موثر بر تغییرپذیری‌های کاهش انگیزه و گرایش جوانان روستایی به حرفه کشاورزی، از میزان‌های برآورد فراسنجه استفاده شد (جدول ۱۱). بر پایه میزان‌های این آماره، به عنوان مثال در مورد شمار روزهای اشتغال به کار کشاورزی در طول سال، نتیجه تأثیر رگرسیونی این عامل بر کاهش انگیزه و گرایش جوانان روستایی به حرفه کشاورزی در سطح خطایی کوچکتر از ۰/۰۵ معنی‌دار بوده و میزان برآورد آن برابر با ۶/۶۷۹ است که نشان می‌دهد با فرض ثابت ماندن اثر همه‌ی متغیرهای مدل، افزایش یک واحد در شمار روزهای اشتغال به کار کشاورزی در طول سال، با افزایش ۶/۶۷۹ واحد در کاهش انگیزه و گرایش جوانان روستایی به حرفه کشاورزی همراه خواهد بود. همچنین، نتایج بیانگر نقش منفی متغیرهای تحصیلات جوان و تحصیلات پدر و نقش مثبت متغیرهای سن و شمار روزهای اشتغال به کار کشاورزی در طول سال، در زمینه کاهش انگیزه و گرایش جوانان روستایی به حرفه کشاورزی است. با توجه به میزان ضریب والد مشخص می‌شود که بیشترین نقش را متغیر شمار روزهای اشتغال به کار کشاورزی در طول سال، با ضریب والد ۸/۵۶۳ دارا است.

جدول ۱۱- خلاصه نتایج آزمون رگرسیون ترتیبی

متغیر	برآورد	انحراف معیار	والد	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
سن	۲/۳۱۴	۱/۱۶۴	۳/۹۵۱	۱	۰/۰۴۷
تحصیلات	-۴/۳۸۵	۲/۲۱۳	۳/۹۲۶	۱	۰/۰۴۸
شمار روزهای اشتغال به کار کشاورزی در طول سال	۶/۶۷۹	۲/۲۸۲	۸/۵۶۳	۱	۰/۰۰۳
تحصیلات پدر	-۲/۸۳۸	۱/۲۴۶	۵/۱۸۹	۱	۰/۰۲۳

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق با هدف شناسایی عامل‌های موثر بر کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی در بخش بهاران شهرستان گرگان در استان گلستان انجام شد. مهم‌ترین متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی از نظر پاسخگویان به ترتیب "زحمت زیاد حرفه کشاورزی نسبت به سایر حرفه‌ها"، "درآمد کم حرفه کشاورزی نسبت به سایر حرفه‌ها" و "هزینه بالای کار کشاورزی"، "آینده حرفه‌ای نامطمئن در حرفه کشاورزی" و "وجود حرفه‌ها جدید و برتر از کشاورزی در منطقه و تمایل پسران به آن‌ها" بوده است. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد عامل‌های کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی به ترتیب اهمیت در شش عامل شغلی، طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و فنی - اجتماعی قرار می‌گیرند و ۵۲/۴۶۴ درصد از واریانس کل عامل‌های کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی را تبیین می‌کنند. همان‌طور که از یافته‌ها مشخص می‌شود عامل شغلی در اولویت نخست متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش پسران روستایی نسبت به حرفه کشاورزی قرار گرفته است و بیشترین سهم (۲۱/۱۶۷ درصد) را در تبیین واریانس کل متغیرها به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، طبق نظر پسران، بسیاری از مسئله‌هایی که کاهش دهنده انگیزه و گرایش آنان نسبت به حرفه کشاورزی هستند، مربوط به نگرش منفی آنان نسبت به این حرفه است که متاثر از عامل‌هایی چون درآمد کم حرفه کشاورزی نسبت به دیگر حرفه‌ها، آینده حرفه‌ای نامطمئن در حرفه کشاورزی، وجود حرفه‌های جدید و برتر از کشاورزی در منطقه و گرایش پسران به آن‌ها و عدم توجه کافی دولت به کار کشاورزی است. این یافته‌ها با یافته‌های شمس و همکاران (۱۳۹۴)، یعقوبی و همکاران (۱۳۹۶)، حافظی و

میخک (۱۳۹۸)، اتحادیه کشاورزی جنوب آفریقا (۲۰۱۳)، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (۲۰۱۴)، بز و هلدن (۲۰۱۴)، آفانده و همکاران (۲۰۱۵)، نورانی (۲۰۱۵)، آپان و همکاران (۲۰۱۵)، فلسیا و همکاران (۲۰۱۶)، برک (۲۰۱۸) و تارکن و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی دارد. همچنین، یافته‌ها بیانگر تفاوت معنی‌دار بین نبود انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی در بین پسران روستایی بر حسب متغیرهای وضعیت تاهل، سن، شمار مراجعه به شهر در طول هفته و مساحت زمین تحت مالکیت خانواده بود. با توجه به مقدار میانگین‌ها، پسران متاهل، اهمیت بیشتری برای متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی قائل بوده‌اند. در این مورد به نظر می‌رسد پسران متاهل از یک سو با توجه به قبول مسئولیت خانواده و نیاز به یک منبع درآمدی برای رفع نیازهای آن به حرفه کشاورزی وابسته هستند اما از سوی دیگر، تلقی آنان از حرفه کشاورزی به عنوان یک حرفه پر زحمت، پر خطر، با درآمد کم و هزینه بالا و آینده حرفه‌ای نامطمئن، باعث شده است اهمیت بیشتری برای متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی قائل باشند. همچنین، بین گروه‌های مختلف پسران در زمینه متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی بر حسب متغیر سن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به مقدار میانگین‌ها، با افزایش سن، آنان اهمیت بیشتری برای متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی قائل هستند. افزایش سن باعث افزایش تجربه و شناخت بیشتر پسران از حرفه کشاورزی و مسئله و دشواری‌های آن شده، در نتیجه باعث می‌شود درک بیشتری از متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی داشته باشند. افزون بر این، یافته‌ها بیانگر تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های مختلف پسران در زمینه متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی و

به شکل علمی دنبال شود و افزایش درآمد و بهبود وضع زندگی را به همراه داشته باشد، در نتیجه انگیزه و گرایش و تعلق خاطر پسر به کشاورزی به عنوان یک حرفه افزایش می‌یابد. این یافته با یافته‌های ملکی و همکاران (۱۳۹۴)، سلیمان بلو و همکاران (۲۰۱۵)، آفانده و همکاران (۲۰۱۵)، تارکن و همکاران (۲۰۲۲) و هنینگ و همکاران (۲۰۲۲)، همخوانی دارد و مغایر با یافته یعقوبی و همکاران (۱۳۹۶)، آکیان و همکاران (۲۰۱۵) و تاریک ابراهیم و همکاران (۲۰۲۱) است. همچنین متغیرهای سن و شمار روزهای اشتغال به کار کشاورزی در طول سال، نقش مثبت در کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی داشته است. این نتیجه به معنای آن است که افزایش سن و شمار بیشتر روزهای اشتغال پسران به کار کشاورزی در طول سال، به کاهش بیشتر انگیزه و گرایش پسران به کار کشاورزی منجر می‌شود. اگر چه انتظار می‌رود افزایش سن و شمار روزهای اشتغال به کار کشاورزی، به انباشت تجربه بیشتر در کشاورزی منجر شود، با این حال به نظر می‌رسد این تجربه بیشتر در زمینه شناخت و درک مسایل، مشکلات و بازدارنده‌های حرفه کشاورزی خود را به پسران می‌نمایاند و انگیزه آنان را برای ورود یا ماندگاری در آن کاهش می‌دهد. این یافته با یافته‌های ارتیاعی و همکاران (۱۳۹۰)، بادسار و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد و مغایر با یافته یعقوبی و همکاران (۱۳۹۶) است.

با توجه به یافته‌های تحقیق و با هدف افزایش انگیزه و گرایش پسران روستایی به فعالیت‌های کشاورزی و نگهداشت آنان در این حرفه، پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه داد:

۱. با هدف ارزشگذاری حرفه کشاورزی و افزایش جذابیت آن و همچنین افزایش انگیزه و تعلق خاطر پسران روستایی به حرفه کشاورزی و ماندگاری در روستا، با بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی به ویژه صدا و

متغیرهای شمار مراجعه پسران به شهر در طول هفته و مساحت زمین تحت مالکیت خانواده آنان است. با توجه به مقدار میانگین‌ها، پسران با شمار مراجعه بیشتر به شهر در طول هفته و دارای زمین کمتر تحت مالکیت خانواده، اهمیت متغیرهای کاهش دهنده انگیزه و گرایش نسبت به حرفه کشاورزی را بیشتر ارزیابی کرده‌اند. شمار مراجعه پسران به شهر و آشنایی آنان با دیگر حرفه‌های کم‌زحمت و در عین حال با درآمد بالا نیز کاهش دهنده انگیزه و گرایش آنان نسبت به حرفه کشاورزی است که پر زحمت بودن و درآمد پایین در مقایسه با دیگر حرفه‌ها از مشخصه‌های آن است. این یافته با یافته‌های ارتیاعی و همکاران (۱۳۹۰)، بادسار و همکاران (۱۳۹۴)، حافظی و میخک (۱۳۹۸) و آکیان و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد. همچنین، پسران با خانواده‌های دارای زمین کمتر نیز به دلیل خرده مالک بودن پدران و کشاورزی معیشتی خانواده، تلقی مثبتی از این حرفه ندارند و طبیعی است آن را حرفه‌ای با درآمد کم، آینده نامطمئن، دارای ارزش و منزلت کمتر نسبت به سایر حرفه‌ها و بدون حمایت لازم از سوی دولت بدانند. این یافته‌ها با یافته‌های شمس و همکاران (۱۳۹۴)، یعقوبی و همکاران (۱۳۹۶)، حافظی و میخک (۱۳۹۸)، بز و هلدن (۲۰۱۴)، آفانده و همکاران (۲۰۱۵)، نورانی (۲۰۱۵)، آکیان و همکاران (۲۰۱۵)، فلسیا و همکاران (۲۰۱۶)، برک (۲۰۱۸) و تارکن و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی دارد. با توجه به نتایج رگرسیون ترتیبی، تحصیلات پسران و تحصیلات پدر، نقش منفی در کاهش انگیزه و گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی داشته است. این نتیجه به معنای آن است که افزایش تحصیلات پسر و پدر، بیشتر به افزایش انگیزه و گرایش پسران روستایی به حرفه کشاورزی کمک می‌کند. در واقع، سطح تحصیلات بیشتر به کسب دانش و اطلاعات جدید کشاورزی منجر می‌شود و انتظار می‌رود کشاورزی هم توسط پدر و هم توسط فرزند پسر

سیمای استان و فضای مجازی، ضرورت دارد نسبت به تهیه برنامه‌ها و محتوای مناسب، جالب توجه و جذاب مرتبط با روستا و کشاورزی منطقه اقدام شود.

۲. با همکاری مرکز تحقیقات کشاورزی استان تاکید بر این است که نسبت به نیازسنجی و انجام تحقیقات با هدف توسعه ماشینی کردن فعالیت‌های پرزحمت کشاورزی و کاهش هزینه‌های تولید در هر یک از مرحله‌های کاشت، داشت، برداشت و فرآوری محصول‌های کشاورزی در منطقه اقدام شود.

۳. با همکاری مدیریت ترویج و اداره فنی و حرفه‌ای شهرستان، شایسته است نسبت به طراحی و اجرای دوره‌های ترویجی و فنی و حرفه‌ای خاص پسران با محوریت موضوع‌های مختلف کشاورزی در روستاهای منطقه اقدام شود. محتوای این دوره‌ها باید با تاکید بر معرفی فناوری‌های جدید کاهش دهنده سختی کار کشاورزی، معرفی روش‌های افزایش دهنده میزان تولید

پی‌نوشت

1- Food and Agriculture Organization (FAO)

2- Southern Africa Confederation of Agricultural Union (SACAU)

منبع‌ها

ارتیاعی، ف.، چیدری، م.، و جعفری، م. (۱۳۹۰). عامل‌های تاثیرگذار بر مشارکت پسران روستایی در زمینه توسعه کشاورزی، مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه، پژوهش‌های روستایی، ۲ (۳): ۷۳-۵۵.

بادسار، م.، صفا، ل.، و فتحی، س. (۱۳۹۴). تاثیر عامل‌های فردی و زمینه‌ای بر گرایش دانشجویان کشاورزی دانشگاه زنجان نسبت به اشتغال در روستا. ۳۲: ۱۳۶-۱۲۳.

حافظی، ف.، و میخک، ح. (۱۳۹۸). تأثیر عامل‌های پیشبرنده و بازدارنده گرایش پسران روستایی خرم‌آباد به شغل کشاورزی. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۵۰: ۱۰۵-۹۰.

سعیدی، س.، سلمان ماهینی، ع.ر.، و سعیدی، س. (۱۳۹۸). سنجش میزان بهره‌مندی شهرستان‌های استان گلستان با تاکید بر توسعه یافتگی روستاها با استفاده از روش آنتروپی و تاپسیس. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۱ (۱): ۱۳۷-۱۲۳.

سواری ممبئی، آ.، خسروی پور، ب.، برادران، م. و یزدان پناه، م. (۱۳۹۸). گرایش اشتغال به کشاورزی پسران روستایی شهرستان باغملک بر پایه نظریه توسعه یافته رفتار برنامه‌ریزی شده. فصل نامه علمی پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۴۹: ۴۵-۲۹.

سلطانی، ع.، چهارسوقی امین، ح.، و آرایش، م. ب. (۱۳۹۳). تحلیل عامل‌های مؤثر بر گرایش پسران روستایی شهرستان ایلام به اشتغال در بخش کشاورزی، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۷ (۳): ۷۲-۵۷.

شمس، ع.، قدیمی، م.، میرک زاده، ع.ا.، و هوشمندان مقدم فرد، ز. (۱۳۹۴). دلایل بی‌انگیزگی پسران روستایی به اشتغال در بخش کشاورزی (مورد مطالعه شهرستان بوبین زهرا، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۶-۲ (۴): ۸۵۹-۸۶۹.

صفری شالی، ر و حبیب‌پورگنابی، ک. (۱۳۹۴). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده های کمی). تهران: انتشارات لویه، ۸۶۶ ص.

علی بیگی، ا.ح. (۱۳۸۷). پسران روستایی شهرستان کرمانشاه و چالش انتخاب شغل کشاورزی، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱ (۱): ۷۶-۵۹.

کلانتری، خ. ۱۳۹۴. پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی. تهران. انتشارات فرهنگ صبا. ۳۸۸ ص.
مخت، س.، باقری، ا.، شفیع، ف.، و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۹۴). بررسی عامل‌های مؤثر بر انگیزه پسران روستایی برای انتخاب شغل ها کشاورزی، مطالعه موردی: شهرستان گنبد کاووس، پژوهش‌های روستایی، ۶ (۱): ۱۸۶-۱۵۹.

مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). کشاورزی ایران در آینه آمار. تهران: مرکز آمار ایران.
مقدس فریمانی، ش.، محمودی، م. ۱۴۰۱. دیدگاه گروه کانونی صاحب‌نظران منتخب آموزش کشاورزی نسبت به نظام آموزش کشاورزان آینده کشور. فصلنامه علمی پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۶۱: ۱۰۲-۱۲۴.

ملکی، س.، امیدوار، م.، و فضیلت خواه، ص. (۱۳۹۴). سنجش علاقمندی پسران روستایی به اشتغال در حرفه کشاورزی، مطالعه موردی: دهستان معصومیه، شهرستان اراک، استان مرکزی، سومین همایش سراسری محیط زیست، انرژی و پدافند زیستی، تهران، ۱۵ خرداد، موسسه آموزش عالی مهراروند، گروه ترویجی دوستداران محیط زیست، دریافت از: <http://www.civilica.com>.

موسایی، م.، و عمانی، ا.ر. (۱۳۸۹). عامل‌های مؤثر بر نگرش پسران روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۳ (۲): ۵۰-۳۷.

ودادهیر، ا.، عینی زیناب، ح.، قاضی طباطبایی، م.، و مهری، ن. (۱۳۹۳). مطالعه تحولات ساختار سنی جمعیت ایران و دلالت‌های اقتصادی-اجتماعی آن طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۴۳۰ (۱۹۵۵-۲۰۵۰ میلادی) با تأکید بر مفهوم پنجره فرصت جمعیتی بر نیروی انسانی و اشتغال. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۶۹: ۱۱-۴.

یعقوبی، ج.، اسعدی، ص.، و یزدان پناه، م. (۱۳۹۶). شناسایی عامل‌های مشوق و بازدارنده گرایش پسران روستایی به شغل کشاورزی در روستاهای قصرشیرین. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۴۰: ۱۴-۳.

Akpan, S. B., Patrick, I.V., James, S.U., Agom, D.I. (2015). Determinants of decision and participation of rural youth in agricultural production: a case study of youth in Southern region of Nigeria. *Russian Journal of Agricultural and Socio-Economic*, 7(43), 35-48.

Aphunu, A., and Akpobasa, B.I.O. (2010). Assessment of rural youth' attitude towards agricultural production in Sapele local government area of Delta state, *The Nigerian Academic Forum*, 19(1), 1-4.

Afande, F.O., Maina, W. N., and Maina, F. M. P. (2015). Youth engagement in agriculture in Kenya: Challenges and prospects, *Journal of Culture, Society, and Development*, 7, 4-20.

Berk, A. (2018). Factors affecting the exit from farming of young farmers in Turkey: the case of Niğde province. *Ciência Rural*, 48(8), 1-8.

Bezu, S., and Holden, S. (2014). Are rural youth in Ethiopia abandoning agriculture? *World Development*,

64, 259–272.

Deotti, L., and Estruch, E. (2016). Addressing rural youth migration at its root causes: a conceptual framework, FAO, Rome, Italy, 74p.

FAO. (2014). Youth and agriculture: Key challenges and concrete solutions. Rome, Italy, 128p.

Felicia, W. I., Emmanuel, F.O., and Olaseinde, A. T. (2016). Assessing the future of agriculture in the hands of rural youth in order local government area of Osun State, Nigeria, *International Journal of Agricultural Extension*, 4(2), 105-110.

Girdziute L., Besuspariene E., Nausediene A., Novikova A., Leppala, J and Jakob, M. (2022). Youth's (un) willingness to work in the agriculture sector. *Front. Public Health* 10:937657. doi 10.3389/fpubh.2022.937657

Henning, J. I. F., Matthews, N., August, M and Madende, P. (2022). Youths' perceptions and aspiration towards participating in the agricultural sector: A South African Case Study. *Social Sciences* 11, 1-21. <https://doi.org/10.3390/socsci11050215>

Ibitoye, S. J. (2011). The attitude of youths towards a career in agriculture in Kogi State, Nigeria, *International Journal of Applied Engineering Research*, 6 (14), 1683-1693.

Ngatigwa, A. A., Hepelwa, A., Yami, M and Manyong, V. (2020). Assessment of factors influencing youth involvement in horticulture agribusiness in Tanzania: A case study of Njombe region. *Agriculture*, 10(287), 1-17.

Noorani, M. (2015). To farm or not to farm? rural youth perceptions of farming and their decision of whether or not to work as a farmer: a case study of rural youth in Kiambu County, Kenya, thesis submitted to the faculty of graduate and postdoctoral studies in partial fulfillment of the requirements for the masters of Arts in globalization and international development, School of international development and global studies, faculty of social sciences, University of Ottawa, Canada, 70p.

Sergo, A. (2014). Aspirations of rural youth towards agriculture: The case of Hulet Eju Enese Woreda, East Gojjam Zone, A thesis submitted to the department of sociology in partial fulfillment of the requirements for the degree of masters of Art in sociology, Addis Ababa University, Ethiopia, 127p.

Singh, R., and Gupta, K. (2014). The attitude of male adolescents towards the family occupation of farming: management perspective for Indian policymakers, *Purushartha*, 6(2), 106-119.

SACAU. (2013). Youth in agriculture, synthesis report for Madagascar, Malawi, South Africa, Zambia, and Zimbabwe. Prepared for the Regional Conference on Gender and Youth in Agriculture, 15-18 July 2013, Pretoria, South Africa.

Suleiman Bello, A. R., Allajabou, H.A and., Baig, M. B. (2015). Attitudes of rural youth towards agriculture as an occupation: A case study from Sudan, *International Journal of Development and Sustainability*, 4(4), 415-424.

Tarekegn, K., Kamaylo, K., Galtsa, D and Oyka, E. (2022). Youth participation in agricultural enterprises as rural job creation work and its determinants in Southern Ethiopia. *Hindawi, Advances in Agriculture*, 2022: 1-9, doi.org/10.1155/2022/5760331

Tarik Ibrahim, J., Zul Mazwan, M and Mufriantje, F. (2021). Factors affecting rural youth interest in agriculture in Probolinggo District Indonesia. *International Journal of Humanities Social Sciences and Education (IJHSSE)*, 8(1), 59-66. doi <https://doi:10.20431/2349-0381.0801008>.

The factors affecting the decline of motivation and tendency of rural boys in Baharan district of Gorgan County towards agriculture profession

Mohammad Reza Mahboobi¹, Mahboubeh Rezaie²

1-Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, college of Agricultural management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

2-Graduate Student of Agricultural Extension and Education, college of Agricultural management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

Abstract

Boys and their role in the future of agriculture is a topic of much agricultural discussion worldwide. However, available statistics indicate that boys, especially rural boys, are turning away from the agricultural profession. In this regard, this study was conducted in 2022 to identify the factors affecting the decline of inclination of rural boys towards agriculture profession. The research approach was quantitative nature, an causal-correlational type, and a field data collection method. The statistical population consisted of all rural boys aged 15 to 24 living in the villages of Baharan district in Gorgan County, with a total of 1588 individuals. A multistage random sampling method was used, and the sample size was determined using Morgan's table, with a total of 309 individuals selected for the study. The research instrument was a questionnaire with nominal, ordinal, interval, and relative scale questions. The face validity of the questionnaire was assessed through the opinions of the faculty members of the Agricultural Education and Extension Department at the Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, as well as the experts in extension from the Agricultural Jihad Organization of Golestan Province. Its reliability was measured using the ordinal Theta coefficient ($\theta = 0.83$). According to the order of importance, the factors affecting the rural boys' tendency towards the agricultural profession were identified as follows: vocational, natural-supportive, economic, cultural, legal, and technical-social factors. These factors explained 52.46% of the total variance in the variables affecting the rural boys' lack of inclination towards the agricultural profession. The Mann-Whitney and Kruskal-Wallis tests showed that there is a significant difference between the attitudes of rural boys towards the agricultural profession in terms of variables that reduce their inclination towards it, including marital status, age, the number of visits to the city during the week, and the area of land owned by their families. The results of ordinal regression analysis showed that variables such as the education level of the boys and their fathers had a negative effect, while variables such as age and the number of days engaged in agricultural work throughout the year had a positive effect on reducing the rural boys' motivation and inclination towards the agricultural profession. The automation of labor-intensive agricultural activities, reducing production costs, and increasing government support for the agricultural sector by adopting policies that encompass programs to improve the business environment of agriculture were among the recommendations of this study to retain boys in rural areas and promote their employment in the agricultural profession.

Index Terms: Rural boys, Agricultural profession, Agricultural Education, Agricultural development

Corresponding author: Mohammad Reza Mahboobi

Email: mahboobi47@gmail.com

Received: 2023/04/03

Accepted: 2023/06/21